

بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی - تبریز

اصغر فولادی*

نویسنده: شاه نعمتی گاوگانی**

چکیده

خانواده یکی از ارکان اساسی جامعه به شمار می‌رود و دست‌یابی به جامعه سالم آشکارا در گرو سلامت خانواده است، در این میان طلاق از جمله آسیب‌ها و مشکلاتی است که سلامت جامعه را به خطر انداخته و مانع از پیشرفت آن می‌گردد. چنانچه ما بتوانیم از علل و عوامل مختلف آن آگاهی یابیم می‌توانیم از بروز این علل و عوامل جلوگیری کرده و از عواقب سخت طلاق رهایی یابیم.

هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در استان آذربایجان شرقی - کلان‌شهر تبریز در سال ۱۳۹۲ می‌باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی بوده و نمونه‌های آن شامل پرونده‌های کلیه زوجین متقاضی طلاق (۱۰۰ زوج) که طی سال ۱۳۹۲ به دادگاه‌های خانواده کلان‌شهر تبریز مراجعه کرده بودند به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردید و با استفاده از چک‌لیست، اطلاعات حاصله از پرونده‌ها بررسی و در سطح آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کلیه عوامل طلاق در چهار دسته جای می‌گیرد، که بیشترین درصد علل درخواست طلاق

* عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور نویسنده مسئول. ایران ps.fouladi@yahoo.com

** کارشناس رشته روانشناسی عمومی Navidehshahnemati@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۷

به ترتیب عبارتند از: عوامل اجتماعی (۴۰٪)، عوامل شخصی- فردی (۳۴٪)، عوامل اقتصادی (۱۳٪) و عوامل فرهنگی (۱۰٪) می باشند، که زیرمجموعه ها و فراوانی تاثیرگذاری هریک از عوامل به تفصیل در کل مقاله آمده است.

واژگان کلیدی: علل و عوامل، طلاق، شهر تبریز

۱. مقدمه

انسان به حکم فطرت و طبیعت اجتماعی خود، نیازمند همدلی است که با او زندگی کند و در کنار او آرامش و سکون یابد و واحدی هرچند کوچک به نام خانواده را تشکیل دهد (ظهیرالدین و خدایی فر، ۱۳۸۲). خانواده بدون شک مهمترین سازمانی است که بسترساز رشد و رفاه جسمی، روانی، اجتماعی کودک و عامل رسیدن وی به تعادل فیزیکی و روانی اجتماعی است. اجتماعی شدن و آشنایی با قوانین، نقش ها و ارزش های فرهنگی به طور طبیعی در خانواده صورت می گیرد (فولادی، ۱۳۹۰) و کودک در تعاملات ابتدایی خود با خانواده به یک موجود اجتماعی تبدیل می شود.

خانواده نهادی است که از یک سو با جامعه و از سوی دیگر با خود فرد پیوند دارد. اهمیت این نهاد به اندازه ای است که از پایه های بنیادین جامعه شمرده می شود و رسیدن به جامعه سالم در گروه دست یابی به خانواده سالم است (عابدینی و منشی، ۱۳۸۰) و انسانها بوسیله تعاملات و مراودات ابتدایی خود با خانواده است که به یک موجود اجتماعی تبدیل می شوند.

تحقیقات نشان می دهد که بیش از ۹۰٪ مردان و زنان دنیا لاقول در مقطعی از زندگی خود ازدواج می کنند که این درصد به طور قابل توجهی ثابت است (صادقی مقدم و همکاران، ۱۳۸۵). خود ازدواج هم فرآیندی است که از کنش متقابل بین زن و مرد شکل می گیرد که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و به طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون

قرار گرفته است. زوج بودن ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی، روانی و اجتماعی مختلفی دارد.

باید به این نکته توجه نمود که آنچه که از ازدواج و تشکیل خانواده مهمتر به نظر می رسد، رضایت زناشویی است و رضایت زناشویی یکی از عمیق ترین و اساسی ترین لذت های بشری و در عین حال نبود آن یکی از بزرگترین و ژرف ترین سرچشمه های رنج است (مک کی^۱، فانینگ^۲ و پالگ، ۲۰۰۷، ترجمه گذرآبادی، ۱۳۷۰) که تاثیرات آن در همه ی جنبه های زندگی تجربه می گردد.

باگذار جامعه از سستی به صنعتی، نقش هایی که به صورت محول به زن و مرد در خانواده داده می شد دچار تغییرات چشم گیری شده است. دیگر زنان تنها از طریق همسران خویش با جامعه در ارتباط نیستند بلکه خود با ایفای نقش های جدیدی روبه رو هستند که سهم ایشان را در زندگی زناشویی به طرز شگفت آوری تغییر داده است. همچنین رشد فردیت در جوامع صنعتی، به فرد این امکان را می دهد که به دنبال خواسته ها، امیال و آرزوهای خویش، ارزشهای کهن را زیر سوال برده و به آنها پشت پا زده و خود را محور جهان مادی تصور کند. بنابراین رشد این گونه فردیت و نقش های زنان، تحرک های اجتماعی و شغلی و مهاجرت از روستا به شهر و سستی روابط اجتماعی در شهرها در قرن حاضر، نهاد خانواده را نیز متاثر ساخته و نقش ها و ارزش های حاکم بر روابط همسران، مادران؛ پدران و فرزندان را به صورت کلی دگرگون ساخته است. بنابراین با تغییرات عدیده در نهاد خانواده، هرچند بطئی و کم سرعت، شاهد تنش ها، تضادها و آسیبهایی در میان افراد تشکیل دهنده این نهاد هستیم (محمودیان و خدامرادی، ۱۳۸۹). آسیب ها یا مشکلات خانوادگی، مجموعه رخدادها یا حوادثی هستند که بر یک یا چند تن از اعضای خانواده یا همه آنها و یا به طور کلی بر پیکره خانواده تحمیل می شوند و همه اعضای

خانواده را تحت تاثیر قرار می دهند (استریت^۳، ۱۳۸۲) که یکی از این حالات و آسیب ها وجود طلاق در سطح بالا در جوامع امروزی است. طلاق به عنوان جوابی است به تنش ها و تضادهایی که در میان همسران رخ می دهد و امکان نگهداری این نهاد را از بین می برد و روند تحول و روبه رشد جوامع را با موانع روبه رو می سازد.

طلاق در لغت به معنی بیزاری و جدایی کامل است و در اصطلاح نیز واژه طلاق چنین تعریف شده است که: « وَ ضَرَعَا أزالَهُ قَيْدُ النِّكَاحِ بِصِيغَةِ طَالِقٍ وَ شَبِيهَاتِهَا » یعنی: زایل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص «انت طالق» و شبیه آن می باشد.

بهداشت روانی نسل های جامعه دیگر و تامین بهداشت روانی خانواده به عنوان یک کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول در رشد استعدادهاست که هرگونه آسیبی به آن، نسل آینده را از آثار سوء خود مصون نخواهد گذاشت و سازمان های اجتماعی زیادی را درگیر خود خواهد ساخت..

امروزه طلاق، مهمترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار رفته و شناخت عوامل موثر و متاثر از آن از اولویت های بهداشت روان به شمار می آید. از طرفی این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و ابعاد جامعه انسانی است. نخست، یک پدیده روانی است زیرا به تعادل روانی نه تنها دو انسان بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها اثر می نهد. در ثانی پدیده ای است اقتصادی، که، به از هم پاشیدگی خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می انجامد و از بین رفتن تعادل روانی انسانها، موجبات بروز اثراتی سهمگین در زندگی آنان را نیز فراهم می سازد. گذشته از این طلاق پدیده ای است موثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می کند چون تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می پاشد و از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد چون موجب می شود فرزندان محروم از نعمتهای خانواده تحویل جامعه گردند که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه

اند . چهارم آنکه طلاق یک پدیده فرهنگی است . طلاق از دیدگاهی دیگر یک پدیده ارتباطی است . بدینسان در جامعه ای که فاقد ارتباطات سالم ، درست و طبیعی است پیوند یا رابطه زناشویی نیز استثناء نیست (ریحانی ، ۱۳۸۱) پس توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فرد به عنوان انسان و فرزندانش مهم است . بلکه از دیدگاه جامعه ، فرهنگ ، اقتصاد و حتی جمعیت قابل اعتناست .

از نظر اسلام نیز مغفورترین امر در نزد خداوند متعال که در کلام معصوم (ع) از آن به لرزش عرش تعبیر شده ، طلاق است ، در ضمن اینکه توصیه های اخلاقی زیادی در مورد تشکیل خانواده و تلاش برای حفظ آن با نیت تقرب به ذات اقدس وی در متون اسلامی آمده است .

اما با این وجود هر روز بر خیل مراجعان به مراجع قضایی ، برای ارائه دادخواست (به ویژه از سوی زنان) مبنی بر خواسته طلاق و اختلاف خانوادگی افزوده می شود و این معضل بزرگ اجتماعی در هیچ زمانی مانند عصر حاضر ، خطر انحلال کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن را به دنبال نداشته است . اگر جامعه ای به سوی افزایش طلاق پیش رود حتماً در آستانه بحران قرار می گیرد ، طی تحقیقات انجام شده اثرات طلاق و نتایج آن را می توان به شرح زیر بیان نمود. (ریحانی و عجم ، ۱۳۸۱)

- ۱- ایجاد اختلالات روانی به خصوص افسردگی ، اختلالات اضطرابی ، رفتارهای پرخاشگرانه و ... پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲- ناتوانی در تحمل مشکلات کار و زندگی
- ۳- افزایش انحرافات اجتماعی در بین زنان و مردان مطلقه
- ۴- احساس شکست در زندگی به شکل دلتنگی ، خستگی ، از پا افتادگی ، پوچی و بی معنایی در زندگی و ...
- ۵- ایجاد تفکرات نامطلوب و پارانوئیدی راجع به جنس مخالف
- ۶- احساس گناه و ندامت

۷- خودکشی

و در نهایت این مشکلات در کودکان طلاق چندین برابر شده که به دلیل کنترل احساسات خود از ذکر این عواقب به خصوص عواقب اجتماعی آن خودداری می نمایم .

مطابق آمار ارائه شده هم اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد . روزانه ۲۰۰۰ نفر به مجتمع قضایی خانواده مراجعه می کنند که از میان ۵۰۰ تشکیل پرونده در هر روز ۸۵ درصد مربوط به درخواست طلاق است (فروتن و میلانی ، ۱۳۸۶) . براساس آمارهای منتشره از سوی سازمان های مربوطه ، در ایران در سال ۱۳۷۵ ، ۳۸ هزار و ۸۱۷ نفر از یکدیگر جدا شده اند (۱/۵ در هزار) . این در حالی است که در سال ۱۳۸۰ از جمعیت متاهل کشور ۶۰ هزار و ۵۵۹ نفر طلاق گرفته (۲/۳ در هزار) . و این رقم در سالهای ۱۳۸۵ ، ۹۸۷۵۶ فقره افزایش یافته است (۳/۱ در هزار) . به عبارت دیگر طی سالهای ۱۳۷۵ ، ۱۳۸۰ ، ۱۳۸۵ روزانه به ترتیب به طور میانگین تعداد ۱۰۶ ، ۱۶۵ ، ۲۷۰ فقره طلاق در کشور به ثبت رسیده است (ریاحی و دیگران ، ۱۳۸۶) و در سال ۱۳۸۸ نیز نسبت به سال ۱۳۸۷ این معضل از رشدی معادل ۱۳/۸ درصد برخوردار بوده است به طوری که در سال ۱۳۸۸ در ازای هر ۴ ازدواج در تهران یک طلاق به وقوع پیوسته است . استانهای مازندران ، کردستان ، قم ، خراسان رضوی نیز در ازای هر ۶ ازدواج یک طلاق داشته اند . (مشکی و همکاران ، ۱۳۹۰).

همانگونه که این آمار و ارقام نشان می دهند ، همواره نسبت ازدواج به طلاق کاهش پیدا کرده است و آمار طلاق در کشور روند صعودی را طی کرده است. بنابراین امید است با عنایت به همین اعداد و ارقام سرسام آور و هشدار دهنده نسبت به افزایش میزان طلاق در کشور، پژوهشگران و دست اندرکاران محترم در جهت شناسایی و تحلیل ویژگی ها و عوامل مؤثر بر طلاق با هدف ارائه راهکارهای کاربردی در جهت کاهش طلاق تلاش نمایند.

۲. بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش درباره علل و عوامل طلاق

امروزه شاهدیم که خانواده‌ها دچار نابسامانی‌ها و درگیری‌ها بوده و در رابطه با خود و فرزندان‌شان مسائل و دشواریهایی دارند. از قبیل این که: روابطشان سست و متزلزل است؛ از صفا و صمیمیت و در نتیجه از آرامش و سکون خبری نیست؛ زن و شوهر ظاهراً در کنار یکدیگرند ولی وضعیت زندگی، آنان را چون دو بیگانه، در کنار هم قرار داده است. آمار طلاق سرسام‌آور شده است و زن و مرد با اندک بهانه‌ای رشته حیات خانوادگی را از هم می‌گسلند. فرزندان مهر و عطف را از خانواده‌ها به دست نیاورده و در نتیجه اکثرشان زودرنج و زودشکن و بی‌عاطفه‌اند. به علت عدم تربیت صحیح، بزهکاری کودکان رو به افزایش است. اینها از جمله نابسامانیهایی است که دامنگیر نهاد مقدس خانواده گردیده است. از این رو انسانهای آگاه و دلسوز به جامعه انسانی، هرکدام به نوبه خود و به اندازه توان خویش اقدام به رفع این نابسامانیها و خطراتی که باعث اضمحلال خانواده است، نموده‌اند و با نوشتن کتابها و مقاله‌ها درصدد اصلاح این نهاد مقدس برآمده‌اند.

مطلب را با کلامی از امام صادق (ع) پی‌میگیریم؛ اما صادق (ع) فرمودند: «ما من شیء و مما أحلَّهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أیْغُضُّ إِلَیْهِ مِنَ الطَّلَاقِ...»، هیچ چیز از آنچه خداوند متعال آن را حلال قرار داده است، نزد او منفوذتر و ناپسندتر از طلاق نیست.

در ژاپن تحقیقی با عنوان نوسازی و طلاق توسط ماکای^۴ (۲۰۰۴) به روش تحلیل ثانویه داده‌های وزارت بهداشت، رفاه اجتماعی و مرکز آمار ژاپن انجام شده است و یافته‌ها حاکی از آن است که ارزشهای سنتی جامعه قبل مدرن، میزان طلاق را پایین نگه داشته بود ولی بعد از جنگ جهانی دوم، در نتیجه رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی، شکل خانواده و

سبک ازدواج تغییر کرد، توسعه اقتصادی تغییرات اساسی فرهنگی به دنبال آورد و ژاپنی ها به تدریج گرایش فرد گرایی پیدا کرده و میزان طلاق به تدریج افزایش یافت.

لینگستاد^۵ (۲۰۰۶) تحقیقی با عنوان « آیا بافت اجتماعی بر میزان طلاق تاثیر می گذارد؟ » انجام داده است. این مطالعه با هدف بررسی فاکتورهای اقتصادی، اجتماعی تاثیرگذار بر طلاق و به صورت طولی انجام گرفته است، یافته ها حاکی از آن است که:

- ✓ عدم توازن نسبت جنسی در بازار ازدواج، میزان طلاق را پایین می آورد.
- ✓ افزایش تراکم جمعیت، میزان طلاق را پایین می آورد.
- ✓ افزایش تحصیلات زوجین منجر به افزایش میزان طلاق می گردد.
- ✓ با افزایش نرخ بیکاری مردان، طلاق بالا می رود.
- ✓ به ازای هریک واحد افزایش درآمد ۱۰ درصد به میزان طلاق افزوده می شود.

کونو^۶ (۲۰۰۸) هم در تحقیقی با عنوان « طلاق و سرنوشت خانواده در دوره مدرن مصر » تاثیر نوسازی را بر جامعه مصر اینگونه توضیح می دهد: در مصر از یک طرف به دنبال تلاش جنبش های زنان و اصلاح طلبان مرد از ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به بعد در انتقاد از نابرابری جنسی و آموزشی، جداسازی جنسیتی و چند زنی و تلاش برای بالا بردن سن ازدواج، اجبار به پرداختن حق مادری توسط مردان در صورت طلاق و از طرف دیگر انقلاب در تغییر ارزشهای اجتماعی در اروپا و جوامع غربی و اشاعه آن به کشورهای دیگر از جمله مصر و فرایند شهرنشینی و صنعتی شدن مصر، زمینه را برای ظهور تغییراتی فراهم نمود.

از جمله این تغییرات؛ تصویب افزایش سن ازدواج؛ ۱۶ سال برای زنان و ۱۸ سال برای مردان می باشد و کاهش عمومیت ازدواج تا سن ۳۰ سالگی بود که در فاصله دهه ۵۰- ۱۹۴۰ عمومیت ازدواج تا ۳۰ سالگی، ۵۳ درصد بود و در سال ۱۹۸۶ این میزان به ۳۶ درصد کاهش یافت. یکی دیگر از تغییرات، قانونی بود که در ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی

توسط پارلمان مصر تصویب شد که حق طلاق را به زنان بدون توافق شوهر می داد ، به دنبال این تغییرات درصد طلاق به ازدواج طی سال های ۱۹۹۶-۱۹۶۰ به شرح ذیل افزایش یافته است : ۴/۹ : ۶/۱۹۶۰ ، ۱۹۷۶ : ۸/۸ ، ۱۹۸۶ و ۱۱/۳ درصد در سال ۱۹۹۶ .

اعزازی (۱۳۸۵) در مطالعات خود به این مطلب اشاره کرده که دگرگونی در خانواده همانند سایر نهادهای اجتماعی در اثر پیشرفتهای تکنولوژی حاصل می شود . همانطور که نظریه های تکاملی از جمله نظریه مورگان عامل تکنولوژی را در دگرگونی خانواده موثر می دانند ، سایر نظریه های تکاملی هم به تحول نهاد خانواده در طول زمان و اینکه خانواده به شکل هسته ای درمی آید و کارکردهایش به نهادهای دیگر منتقل می شود اشاره دارند که این خود اساس ازدواج های احساسی و عاشقانه می باشد .

محمودیان به نقل از احمدی (۱۳۸۵) بر جنبه های منفی توسعه و شهرنشینی پرداخته و اشاره نموده زمانی که شهرها توسعه پیدا می کنند ، یکسری از مسائل اجتماعی را با خود می آورند از جمله حاشیه نشینی ، بیکاری ، فحشاء و بزهکاری و غیره . افزایش طلاق هم به عنوان یک مسئله اجتماعی ، در نتیجه همین مسائل ناخواسته از توسعه بی رویه شهرها به وجود آمده است .

ظهیرالدین و خدایی فر (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان « بررسی نیم رخدای شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران» به این نتایج دست یافته که ، رفتارهای تکاملی ، روابط مختل بین فردی ، خلق بی ثبات ، خود بیمار انگاری ، بدگمانی ، اختلال انطباق ، افسردگی ، انزوا ، تفکر غیر معمول ، اضطراب ، وسواس و هراس بیشترین یافته ها در نیمرخ های شخصیتی مراجعین طلاق بود . این مطلب بیانگر آن است که از عوامل زمینه ساز طلاق باید به سلامت روانی زوجین نیز توجه نمود .

خسروشاهی و همکاران (۱۳۸۲) در مطالعه ای با عنوان « فاکتورهای موثر در عملکرد جنسی در خانم های متأهل دارای تحصیلات علوم پزشکی » بیشتر به عامل اختلالات

نغوظی در طلاق اشاره نموده اند که این اختلالات در مردان مربوط به انزال زودرس ، اختلالات نغوظی و در زنان ، اختلال در تحریک پذیری بوده است .

قطبی (۲۰۰۴) در طی پژوهشی ، علل طلاق در کشورهای اروپایی و امریکایی ، ضعف در برقراری ارتباط ، مشکلات مالی ، نداشتن احساس مسئولیت ، بی وفایی و خیانت ، برآورده نشدن انتظارات ، اعتیاد ، سوء استفاده فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مسئله ذکر است .

حسینی (۱۳۸۶) در مطالعات خود عوامل زیر را در جوامع ایرانی اساس طلاق برشمرده است ؛ توقع های بی جا ، تجمل گرایی ، هوس بازی برخی همسران ، درک نکردن یکدیگر ، دخالت های بی مورد اطرافیان ، درآمد پایین ، ازدواج در سنین پایین ، توسعه صنعتی و محیط زندگی .

هنری^۷ و میلر^۸ (۲۰۰۴) مشکلات جنسی را با فراوانی ۲۳/۸٪ از رایج ترین مشکلات زناشویی زوجین میانسال ذکر کرده اند . رحمت الهی (۱۳۸۵) نیز مشکلات جنسی را در ۹۱٪ ازدواج های آسیب دیده نشان داده است . همچنین رحمت الهی در مطالعات خود نشان داد ، زوجین دارای سابقه ۵-۱ سال ازدواج بیش از زوجین با سابقه ۱۵-۱۱ سال ازدواج مشکلات فرافردی مانند ، دخالت خانواده اصلی ، مشکلات اقتصادی و مسکن و تفاوت های فرهنگی را تجربه می کنند . میلر و همکاران (۲۰۰۳) نیز در یافته های خود ، مشکلات مالی ، جنسی ، صمیمیت عاطفی ، خشونت ، تعهد ، تصمیم گیری و فعالیت های اوقات فراغت را به عنوان یکی از مهمترین عوامل اختلافات زناشویی می دانند . همچنین وستمن^۹ ، هامیلتون^{۱۰} ، وینوکر^{۱۱} و روزینر^{۱۲} (۲۰۰۴) دشواریهای مالی و رخدادهای بد

زندگی را عامل افزایش نارضایتی زناشویی برشمرده اند. یحیی زاده (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی با عنوان «تاثیر وابستگی دارویی بر توافق زوجینی» به این نتیجه دست یافت که مصرف مواد مخدر زمینه ساز فروپاشی خانواده ها می باشد.

با توجه به آمارها و مطالب ارائه شده، تحقیق در باب طلاق می تواند با کشف و تعمق، زمینه شناخت علمی و گسترده آن را فراهم نموده و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه های اجتماعی مناسب در جهت سالم سازی کانون خانواده و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان بار طلاق یاری رساند. این پژوهش نیز با پرداختن به موضوع طلاق از ابعاد مختلف سعی در شناسایی و تحلیل ویژگی ها و عوامل موثر بر طلاق با هدف ارائه راهکارهای کاربردی در جهت کاهش طلاق در استان آذربایجان شرقی-شهر تبریز را دارد. بنابراین سوال اصلی این پژوهش بدین صورت بیان می گردد که چه عواملی در افزایش طلاق زوجین در شهر تبریز نقش دارند؟ امید است نتایج این پژوهش مورد توجه دست اندرکاران، مسئولین و پژوهشگران عزیز قرار گیرد.

۳. روش پژوهش

شیوه به کار رفته در این پژوهش توصیفی می باشد. جامعه آماری، شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق در استان آذربایجان شرقی-شهر تبریز در سال ۱۳۹۲ بوده، که پرونده های آنها پس از بررسی در شورای حل اختلاف خانواده، وارجاع به دادگاه خانواده حکم طلاق آنها صادر شده بود. که از این تعداد نمونه ای به اندازه ۱۰۰ زوج به روش نمونه گیری تصادفی برای مطالعه انتخاب گردیدند. با توجه به اینکه میزان آمار طلاق در طی سالهای گذشته در شهر تبریز پایین بوده و در همین سالهای اخیر به طور چشمگیری رو به افزایش است و همچنین افراد مورد مطالعه در دسترس اند، لذا شهر تبریز به عنوان جامعه تحقیق انتخاب شده است.

۴. شیوه اجرا

از کلیه زوجین متقاضی طلاق که در طول سال ۹۲ از طریق دادگاههای خانواده حکم طلاق آنها صادر شده بود، اطلاعاتی در زمینه نحوه مراجعه، گروه سنی و علت درخواست طلاق... اخذ گردید. داده ها با استفاده از فرم های مخصوص یا به اصطلاح فرم های مددکاری که در زمان مصاحبه (توسط روانشناسان، مشاوران و مددکاران اجتماعی شوراها حل اختلاف خانواده) در پرونده های مراجعین مندرج شده بود، جمع آوری شد. روش استخراج اطلاعات مذکور بدین صورت بود که تک تک پرونده های نمونه های در نظر گرفته شده مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت و اطلاعات در زمینه نوع مراجعه و علت اصلی تقاضای طلاق از نظر زوجین ثبت گردید.

اطلاعات استخراجی از پرونده های نمونه های مورد مطالعه پس از بررسی های متعدد توسط روانشناسان و پژوهشگران حوزه روان شناسی و مشاوره که همگی از اعضای علمی دانشگاههای پیام نور استان آذربایجان شرقی هستند، طبق الگوی خاصی در چهار دسته گنجانده شد. یعنی به اصطلاح مشکل یا مشکلات اصلی که زوجین به واسطه آن متقاضی طلاق بودند بر ۴ دسته طبقه بندی شدند. ۱- مشکلات اجتماعی. ۲- مشکلات اقتصادی. ۳- مشکلات فرهنگی. ۴- مشکلات فردی و شخصی، که هر دسته خود شامل چندین خرده مقیاس می باشد.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش های آمار توصیفی و درصد های آماری استفاده شده است.

۵. یافته های پژوهش

جدول شماره (۱): عوامل طلاق به طور کلی در سطح

استان آذربایجان شرقی - شهر تبریز

ردیف	نوع عامل طلاق			عوامل طلاق
	اجتماعی	اقتصادی	فرهنگی	
۱		*		فقر (اختلاف شدید مالی)
۲	*			اعتیاد زن یا شوهر (بیشتر شوهران)
۳	*			ازدواج های تحمیلی و نسجیده
۴	*	*	*	عدم تفاهم و تعارضات فکری زوجین با همدیگر
۵	*		*	سنت های غلط
۶	*	*	*	بلاتکلیفی دوران نامزدی
۷	*			سوء ظن داشتن مرد و زن به همدیگر
۸	*	*	*	مداخله پدر و مادر و سایر فامیل ها
۹	*			مصرف الکل
۱۰	*			قماربازی
۱۱	*			تفاوت زیاد سنی زن و شوهر
۱۲	*	*	*	توقعات نابجای زوجین از یکدیگر
۱۳	*	*	*	گریز از ایفای وظایف
۱۴	*			ازدواج غیابی
۱۵	*			تهمت و فحاشی
۱۶	*	*	*	میزان مهریه
۱۷	*			ازدواج موقت
۱۸	*	*	*	سابقه دوستی و ارتباط قبل از ازدواج

			*	اختلاف در مذهب	۱۹
			*	عدم رعایت اصول اخلاقی	۲۰
			*	به رخ کشیدن افتخارات توسط یکی از زوجین	۲۱
*	*			خوشگذرانی های نامشروع ، خیانت و معاشرت با افراد ناباب آشکارو پنهان زوجین	۲۲
**				زورمداری و اصالت زور	۲۳
*			*	اعمال قهر و خشونت در خانواده	۲۴
		*		عدم پرداخت نفقه	۲۵
		*	*	رقابت و چشم و هم چشمی از بُعد مالی (تجمل طلبی)	۲۶
			*	تفاوت های تربیتی	۲۷
*				نازایی و بچه دار نشدن	۲۸
*				بی اعتنائی به همسر و عدم ابراز محبت	۲۹
*				مجهول المکان بودن مرد	۳۰
	*		*	عبور از جامعه سنتی به مدرن وسست شدن بنیان خانواده	۳۱
*				بیماری و اختلالات روانی	۳۲
*				عدم تامین جانی و تهدید به کشتن	۳۳
	*			اهانت به مقدسات شرعیه و مذهبی	۳۴
*				زندانی بودن مرد	۳۵
*	*		*	اختلاف نظر از جهت تعیین محل سکونت	۳۶
		*		بیکاری مرد	۳۷
*				تنفر زوج از زوجه (کراهت زوج)	۳۸
*	*			بیماری مستمر زن یا مرد	۳۹
	*		*	روبنایی شدن پیوندهای جدید ازدواج	۴۰
*				عدم تمکین (عدم انجام وظایف زناشویی)	۴۱
*				اختلاف سطح تحصیلات طرفین	۴۲
		*		استقلال خواهی مالی زنان	۴۳
	*			آشنا شدن زنان به حقوقشان	۴۴
	*	*		به روز شدن مهریه زنان	۴۵

۴۶	تعصب	*		
۴۷	قادر نبودن زن به رفت و آمد با خانواده اش بدون اجازه شوهر	*	*	
۴۸	نبودن فرهنگ گفتگو بین خانواده ها	*		
۴۹	مشکلات جنسی	*		

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می گردد . عوامل طلاق به طور کلی در استان آذربایجان شرقی - شهر تبریز در چهار دسته طبقه بندی می گردد .

جدول (۲) : فراوانی عوامل طلاق با $N=100$ زوج

نوع عامل	فراوانی	درصد فراوانی
اجتماعی	۴۰	٪۴۰
اقتصادی	۱۳	٪۱۳
فرهنگی	۱۰	٪۱۰
شخصی - فردی	۳۴	٪۳۴

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود ، بالاترین علت درخواست طلاق در استان آذربایجان شرقی - شهر تبریز ، مربوط به عامل اجتماعی (۴۰٪) بوده که از زیر مجموعه این عامل مهم ترین موارد تاثیرگذار به ترتیب زیرند : ازدواج های تحمیلی و نسنجیده ، توقعات نا بجای زوجین از یکدیگر ، سابقه دوستی و ارتباط قبل از ازدواج ، تفاوت های تربیتی ، هر کدام (۶٪) - مداخله پدر و مادر و فامیل ها (۵٪) - رو بنایشدن

پیوندهای جدید ازدواج (۳٪) و بقیه موارد اکثراً یک یا دو درصد ، از عوامل تاثیرگذار اجتماعی بر طلاق در شهرستان مربوطه می باشند . که از اهمیت زیادی برخوردار بوده و باید در این مورد تامل زیادی صورت گیرد .

دومین علت درخواست طلاق در شهرستان مربوطه ، مربوط به عامل شخصی - فردی (۳۴٪) بوده که از زیر مجموعه این عامل مهم ترین موارد تاثیر گذار به ترتیب زیرند : عدم تفاهم و تعارضات فکری زوجین با همدیگر ، عدم ابراز علاقه بلافاصله بعد از ازدواج ، هرکدام (۶٪) - ازدواج پنهانی مرد (۵٪) - نازایی و بچه دار نشدن ، بی اعتنائی به همسر و عدم ابراز محبت ، عدم تمکین (عدم انجام وظایف زناشویی) هرکدام (۳٪) و بقیه موارد اکثراً یک یا دو درصد، از عوامل تاثیر گذار شخصی - فردی بر طلاق در شهرستان مورد پژوهش می باشند ، که این آمار قابل توجه بوده و دست اندرکاران عزیز باید در این حیطة به فکر راهکارهای مناسبی باشند .

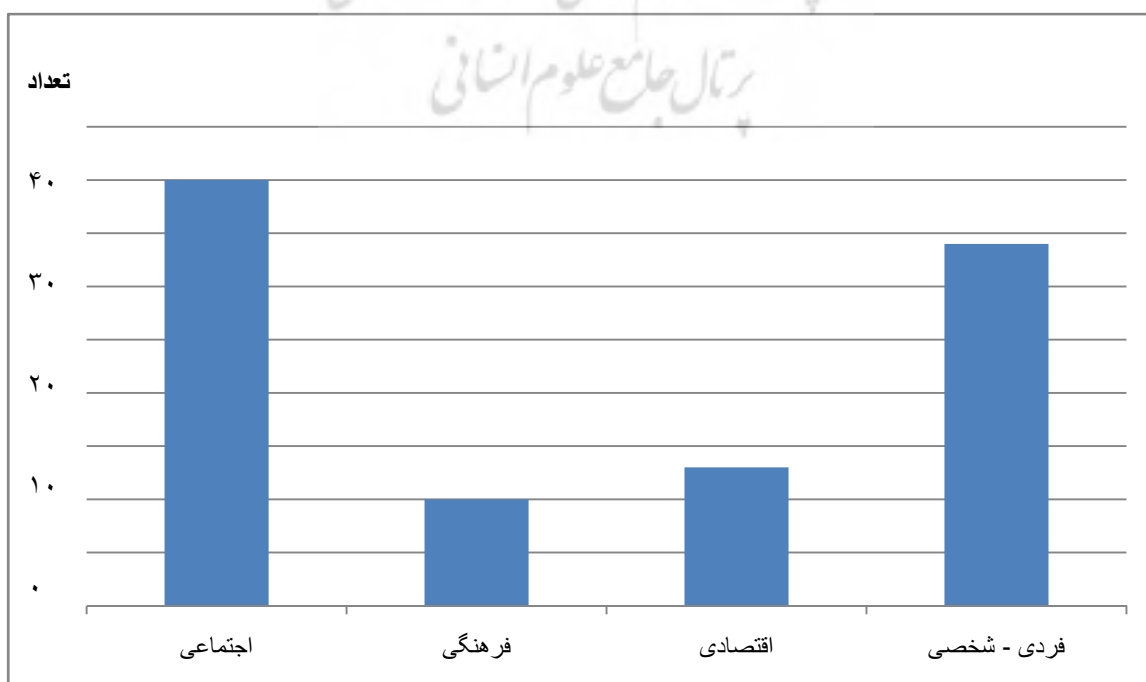
سومین و چهارمین علت درخواست طلاق مربوط به عامل های اقتصادی (۱۳٪) و فرهنگی (۱۰٪) بوده که از زیرمجموعه های این عوامل ، مهمترین موارد تاثیرگذار به ترتیب ، عوامل اقتصادی شامل : اختلاف شدید مالی و بیکاری مرد ، هرکدام (۵٪) - رقابت و چشم و هم چشمی به ویژه از بعد مالی (۲٪) و از عوامل فرهنگی ؛ عدم تفاهم و تعارضات فکری زوجین با همدیگر (۶٪) - خوشگذرانی های نامشروع ، خیانت و معاشرت با افراد ناباب و عبور از جامعه سنتی به جامعه مدرن و سست شدن بنیان خانواده ، هرکدام (۲٪) ، از عوامل تاثیرگذار اقتصادی و فرهنگی بر افزایش طلاق در شهرستان تبریز می باشند . که تاثیرات این عوامل از عوامل اجتماعی و شخصی - فردی ، خیلی خفیف تر بوده و انرژی اندکی برای حل آنها می طلبد .

جدول (۳) : عوامل طلاق به تفکیک عامل های مشترک

نوع عامل	فراوانی	اجتماعی	فرهنگی	اقتصادی	فردی -
----------	---------	---------	--------	---------	--------

شخصی					
*	*	۱۲ زوج	۱ زوج	۳۴	فردی - شخصی
*	*	*	۲ زوج	۱۳	اقتصادی
۱۲ زوج	*	*	۳۰ زوج	۱۰	فرهنگی
۱ زوج	۲ زوج	۳۰ زوج	*	۴۰	اجتماعی

علت طلاق اکثریت زوجها تنها یک عامل نبوده و تحت تاثیر عوامل مشترکی نیز می باشند . طبق داده های جدول شماره ۳ ، در عامل اجتماعی علاوه بر خود عوامل اجتماعی ، ۳۰٪ از عوامل طلاق زوج ها تحت تاثیر عوامل فرهنگی و ۱٪ تحت تاثیر عوامل فردی - شخصی نیز می باشد . در عامل اقتصادی علاوه بر خود عوامل اقتصادی ، ۲٪ از عوامل طلاق زوج ها تحت تاثیر عوامل اجتماعی است . و در عامل فرهنگی علاوه بر عوامل فرهنگی ، ۳۰٪ از عوامل طلاق زوج ها تحت تاثیر عوامل اجتماعی و ۱۲٪ تحت تاثیر عوامل فردی - شخصی می باشد . در عامل فردی - شخصی علاوه بر خود عوامل فردی - شخصی ، ۱٪ از عوامل طلاق زوج ها تحت تاثیر عوامل اجتماعی و ۱۲٪ تحت تاثیر عوامل فرهنگی می باشد .



نمودار طلاق در استان آذربایجان شرقی - تبریز، در سال ۱۳۹۲ با $N=100$ زوج عوامل

عوامل طلاق

۶. بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه عوامل مرتبط با ناسازگاری زناشویی و زمینه ساز طلاق در زوجین مطلقه استان آذربایجان شرقی - کلانشهر تبریز می باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین درصد علل درخواست طلاق از نظر زوجین، به ترتیب عبارتند از: عوامل اجتماعی (۴۰٪)، عوامل شخصی - فردی (۳۴٪)، عوامل اقتصادی (۱۳٪) و عوامل فرهنگی (۱۰٪) می باشد.

از طرفی علل طلاق اکثریت زوجها تنها به یک بُعد عامل و یا زیر مجموعه های آن مربوط نبوده و تحت تاثیر عوامل مشترکی می باشد. نتایج و یافته های این پژوهش با یافته های ماکای (۲۰۰۴)، لینگستاد (۲۰۰۶)، وستمن، هامیلتون، وینوکر و روزیتر (۲۰۰۴)، کونو (۲۰۰۸) و همچنین با یافته های رحمت الهی (۱۳۸۵)، اعزازی (۱۳۸۵)، مشکئی و همکاران (۱۳۹۰) در اکثر عوامل همسو و همخوان بوده و با یافته های هنریان (۱۳۹۰) و سعادت (۱۳۸۹) ناهمخوان می باشد. از طرفی با توجه به بررسی های انجام یافته نتایج پژوهش مربوطه درباره علل طلاق به خصوص در حوزه عوامل اقتصادی با نتایج بررسی های مارتین و بومباس (۱۹۸۹)، کوردک (۱۹۹۳)، ویدانوف (۱۹۹۰) و وستمن و همکاران (۲۰۰۴) و در ایران با نتایج پژوهش های گلشن (۱۳۷۲)، خلیلی (۱۳۷۶)، توسلی (۱۳۹۰) و ساروخانی (۱۳۷۶) مطابقت ندارد. همچنین تفاوت فرهنگی زوجین، یکی از پایین ترین علل طلاق را داراست. این امر می تواند منبعث از نزدیکی فرهنگی اکثر زوجین جامعه آماری پژوهش حاضر باشد و یا اینکه علی رغم پژوهش کوردک (۱۹۹۳) این عامل نقش مهمی در پیدایش اختلافات زناشویی و طلاق در نمونه حاضر نداشته است و همچنین این

اصغر فولادی و نویده شاه نعمتی ۱۰۷

یافته در پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های ساروخانی (۱۳۷۶) ، مختاری (۱۳۷۹) ، تقی پور (۱۳۸۳) و آقاجانی مرسا (۱۳۸۷) همسو نمی باشد.

با توجه به شناخت عوامل منفی تاثیرگذار بر زندگی زناشویی و آگاهی از زیرمجموعه های این عوامل باید عزم خود را جزم نموده و درصدد برطرف نمودن تک تک این معضلات با بهره گیری از متخصصین این حیطه از علوم برآییم تا بتوانیم شاهد خانواده و در نتیجه جامعه ای سالم باشیم .

راهکارهای موثر در کاهش طلاق

۱. آموزش و استفاده از فرهنگ و مولفه های دینی و اسلامی و اخلاقی در تحکیم پایه های خانواده .
۲. پیشگیری و مقابله جدی با عوامل فرسایش رویط اعضای خانواده نظیر معضلات فرهنگی ، مفاسد اجتماعی ، اعتیاد و بیکاری ، با طرق های گوناگون .
۳. جلوگیری از ازدواج های سهل گیرانه و سرسری
۴. آموزش آگاهی از ویژگی ها ، انتظارات و نقش های زن و شوهری
۵. آموزش مهارت های زندگی در مراحل و سنین مختلف از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی .
۶. قبول کردن تفاوت های شخصیتی زوجین
۷. فراگیر کردن فرهنگ گفتگو بین خانواده ها
۸. توسعه مراکز آموزشی مشاوره خانواده قبل و بعد از ازدواج

۱۰۸ بررسی علل طلاق ...

۹. برگزاری کارگاه های آموزش مدیریت حل بحران برای خانواده ها و جوانان قبل از ازدواج و زوج هایی که دچار اختلاف هستند .
۱۰. برگزاری کارگاه های آموزش حقوقی در زمینه ازدواج ، برای دختران و پسرانی که در استانه ازدواج قرار دارند .
۱۱. آموزش و دانش افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان
۱۲. پرهیز خانواده از دخالت های بدون آگاهی و بینش در زندگی فرزندان
۱۳. تقویت اخلاق ، معنویت و صمیمیت در خانواده
۱۴. پرهیز زوجین از معاشرت های غیر اخلاقی و ناپسند
۱۵. تلاش جهت حفظ آرامش و سلامت روانی تک تک اعضای خانواده .

این مقاله مستخرج از پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پانوش ها

2. Faning
3. Street
4. Mukai
5. Lyngstad
6. Cuneo.
7. Henry
8. Miller
9. Westman
10. Hamilton
11. Vinokar
12. Roziner



منابع

۱. آقاجانی مرسا ، حسین (۱۳۸۷). جامعه شناسی همسرگزینی ازدواج و طلاق . تهران : نشر علم.
۲. احمدی ، حبیب .(۱۳۸۳). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی . تهران . انتشارات سمت
۳. استریت ، ای .(۱۳۸۲). مشاوره خانواده ؛ نظر و عمل در نگرش سیستمی . ترجمه م.تبریزی و ع . علوی نیا . تهران . انتشارات فراروان .

۴. بورنس تین ، فلیپ اچ و مارسی ت ف بورنس تین (۱۳۸۰). زناشویی درمانی . ترجمه عابدی و منشی . تهران . انتشارات رشد .
۵. توسلی ، غلامعباس . گیائی ندوشن ، علی (۱۳۹۰). «عوامل اجتماعی موثر بر طلاق طی دهه اخیر ، مورد مطالعه استان یزد سالهای ۸۰ - ۸۶».
۶. تقی پور، غلامرضا (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تقاضای طلاق زوجین متقاضی طلاق مراجعین مرکز مشاوره طلاق شهر ساری طی سال های ۸۰ - ۷۹» . پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
۷. جعفری، علیرضا (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش مهارتهای ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج . فصلنامه علوم رفتاری. ص ۳۲ .
۸. حسینی، سید حسن (۱۳۸۶). جامعه شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق . تهران نشر سلیمان . چاپ اول .
۹. خسروشاهی و همکاران (۱۳۸۲). تعیین میزان شیوع انواع اختلالات عملکرد جنسی ، شیوع عوامل سبب ساز و ارتباط بین برخی فاکتورهای موثر در عملکرد جنسی در زنان متأهل . اولین همایش خانواده و مشکلات جنسی . تهران
۱۰. خلیلی ، محمدحسین (۱۳۷۶). « بررسی علل طلاق در استان یزد » پایان نامه کارشناسی ارشد ، مدیریت دولتی یزد: مرکز آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان یزد.
۱۱. رحمت اللهی ، ف. (۱۳۸۵). آسیب شناسی زندگی زناشویی در شهر اصفهان و ارائه مدلی جهت آسیب شناسی زندگی زوجین . پایان نامه کارشناسی ارشد . دانشگاه اصفهان . اصفهان .
۱۲. روکس پروف ، ایان (۱۳۷۰). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی کرمانشاه) . فصلنامه پژوهش زنان . دوره ۵. شماره ۳. ص ۱۴۰-۱۰۹.
۱۳. ریحانی ، طیبه . عجم، محمود (۱۳۸۱). بررسی علل طلاق در شهر گناباد . مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات درمانی گناباد. ص ۹۷.

۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. سعادت، نصرین. دیبایی، امیر. (۱۳۸۹). تعیین فراوانی علل طلاق در مراجعین به دادگاه خانواده اهواز. مجله دانش و تندرستی. دوره ۵. شماره ویژه نامه ششمین کنگره اپیدمیولوژی ایران. ص ۲۰۸
۱۶. صادق مقدم و همکاران. (۱۳۸۵). بررسی میزان رضیت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار و همسران آنها. مجله افق دانش. دوره ۱۲. شماره ۲. ص ۴۶.
۱۷. ظهیرالدین، علیرضا. خدایی فر، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی نیم رخدای شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران. فصلنامه علمی - پژوهشی فیض. شماره ۲۵. ص ۲
۱۸. فروتن، سید کاظم. میلانی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده. ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور. دانشگاه شاهد. سال شانزدهم. شماره ۷۸. ص ۴۰.
۱۹. فولادی، اصغر. تیموری، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سلامت روانی با رضایت زناشویی در زنان شاغل. اولین همایش علمی آسیب شناسی خانواده. دانشگاه علمی - کاربردی بهزیستی استان آذربایجان شرقی. ص ۲.
۲۰. کاملی، محمد جواد. (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل موثر بر بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران. فصلنامه دانش انتظامی. سال نهم. شماره ۳. ص ۱۸۸.
۲۱. گلشن، صیاد. (۱۳۷۲). بررسی طلاق و عوامل اجتماعی جمعیتی موثر بر آن در سالهای ۷۰-۱۳۶۴ در شهرستان خوی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه. جلد ۵. ص ۵۴۷.

۲۳. محمودیان ، حسین . خدامرادی ، حسام . (۱۳۸۹). بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان های کشور . فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی . تهران . ص ۱۵ و ۱۶ .

۲۴. مختاری ، حسین (۱۳۷۹). « بررسی علل طلاق در استان یزد در سال های ۷۷-۷۹ ». پایان نامه کارشناسی ارشد ، مدیریت دولتی یزد: مرکز آموزش مدیریت دولتی .

۲۵. مشکى و همکاران . (۱۳۹۰) بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه ی شهرستان گناباد . فصلنامه افق دانش . دانشگاه علوم پزشکی گناباد . ص ۳۶ .

۲۶. هنریان ، مسعوده . یونسی ، سیدجلال . (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاههای خانواده تهران . فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی . شماره ۳ . سال اول . ص ۱۴۸

۲۷. مک کی، میتو. فانینگ، پاتریک. پالگ، کیم. (۱۳۸۷). مهارتهای زناشویی . ترجمه محمدگذرآبادی. تهران . انتشارات رسا .

۲۸. یحیی زاده ، ح. (۱۳۸۵). تاثیر وابستگی دارویی بر توافق زوجینی . دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران . دانشگاه شهید بهشتی ، تهران .

29) Cuno, M. K . (2008). Divorce and The Fate of the Family in Modern Century Egypt, Family in the Middle East International Change in Egypt, Iran and Tunisia. Routledge. London. Pp: 197-213.

30) Ghotbi, M. HelakoeNaeni, K. Jazayeri, A. Rahimi, A. (2004). Divorce situation and some factors affecting people living in absolute .Dolatabad . 3(12) : 273 – 288 . (In Persian).

31) Henry,R. &Miller, R. (2004). Maritalproblemsoccuttingin midlife:Implicationfor coupletherapists . TheAmericanJournalOfFamilyTherapy .32, 405- 417.

32) Lyngstad, T. H. (2006). Does Community Context Have Important Bearing on the Divorce Rate? A Fixed- Effect Study of Twenty Norwegian First Marriage Cohort, Vienna Institute of Demography Austrian Academy of Sciences Website: www.oeaw.ac.at.

- 33) Mukai, M. (2004). Modenization and Divorce in Japan, Japan, Marshall, University, Thesis submitted to for the degree of Master of Arts in Sociology.<http://ezproxy.Marshall.edu:2048/login>.
- 34) Miller, R. B. Yorgason, J. B Sandberg, J. G. & White, M. B. (2003). Problems that couples bring to therapy: A View across the family life cycle. *The American Journal of Family Therapy* . 31, 395-407.
- 35) Rahmatollahi, F. (2006). Pathology of marriage in Isfahan city and providing a model for couple's life Pathology .(Thesis) Isfahan Uni 92 – 96 .(In Persian).
- 36) Westman, M . Hamilton, V . L . Winokur, A. D . & Roziner . I. (2004) . Cross over of Marital dissatisfaction during military downsizing among Russian army officers and their spouses. *Journal of Applied Psychology*. 89, 769- 779.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی